



۲۰۲۳/۰۸/۱۶

سید عظیم حسینی

## تاریخچه تجارت کابل

## قسمت چهارم

نجاران کابل مهارتی بسیار داشتند بر علاوه کندنکاری و گل برگ و نقش و صورت مغز کاری هم میکردند که از توته های کوچک کوچک چوب پله های ارسی را با هم بافت داده و ساختند که امروزه نهایت ارزش دارد. همچنان مسگران در کنده کاری و نقش و نوشتن اشعار در سطل ها و آفتابه ها و غوری ها شهکار بوجود آورده اند که امروز در انتیک فروشی ها بنظر میرسدولی نهایت گران تمام میشود. امروز نجاران و مسگران آن صنعت را ترک کرده اند. استاد علی، استاد غلام محی الدین، استاد مددعلی، این نجار ها در منبت کاری، تمثال سازی و مغزکاری توانا بودند، غلام محی الدین در اواخر زمانیکه مکتب صنایع تاسیس شد استاد تعیین شده بود.<sup>[۸]</sup>

کابل به مثابه یکی از شهرهای کهن افغانستان نقش حساس جیواکو نو میکی در منطقه جنوب آسیا داشته، همین اکنون این موقف و موقعیت خود را کماکان حفظ کرده است. کشف مسکوکات قدیمه از چمن حضوری و کابل سابقه تجارت آنرا به قرن پنجم قبل از میلاد میرساند. علی الرغم آنکه راه ابریشم در نیمه دوم قرن

پانزدهم میلادی بنابر کشف راه های بحری و سپس حفر کانال سوئز، به حیث یک شاهرای سراسری درخشکه از رونق افتاده اهمیت محلی کسب کرده، با آنهم کابل آن موقعیت گذشته بازرگانی خود را از دست نداد که مطالب کتاب ارزشمند «بابرنامه» مصداق این مدعا میباشد. ادامه حفریات باستان شناسی در نقاط مختلف کابل قدیم و بالخاصه در بالا حصار و دامان چکری، بگرامی و کمری در روشن شدن سابقه تاریخی تجارت و راههای بازرگانی کابل و اقلام تجارتي آن مفید و سودمند خواهد بود، بنابراین اهمیت و نقش حیاتی بازرگانی کابل بود که مؤرخین و جغرافیون، اصطلاح بارکده هندوستان را به این شهر دادند. احیای راه ابریشم که در حال حاضر مطرح نظر است، بر اهمیت بازرگانی و رونق تجارتي کابل بیش از پیش خواهد افزود. کذا در انکشاف صنعت توریسم، کابل به حیث یکی از عوامل ایجاد تفاهم جهانی مؤثر و مفید خواهد بود. تا حال سی کشور جهان از احیای پروژه بزرگ راه ابریشم حمایت نمودند و افغانستان به حیث کشور سی و یکم در سالهای اخیر به این پروژه پیوسته است و در کنفرانس های آن شرکت می نماید که یکی از اجندا های آن ثبت جاده ابریشم و آبدات آن در لست میراث های جهانی میباشد. [۹]

### بازارهای قدیم های کابل:

#### ۱- چهارچته کابل ویشه واران معروف آن:

چهارچته به بازاری اطلاق میگردد که دارای چوک بوده و در چهار جهت آن جاده یا سرکهای دارای چت یا ساحه پوشیده قرار دارد، از طرف دیگر بازار سرپوشیده که در یک ساحه معینی ایجاد میگردد بنام چته بازار یاد میشود. چنانچه چته شور بازار کابل نیز یکی از آنها بود.

بازار چهار چته کابل قدیم «یکی از عمرانات بابری ها است که توسط علیمردان خان اعمار گردیده و از شهکار های عصر خویش بود. چوک و چته از پُر ازدحام ترین نقاط شهر بود. آنجا مرکز شهر کابل قدیم بود. هر قدم، هر دکان و هر خشت آن خاطره های تلخ و شیرین برای مردم کابل قدیم داشت. چهارچته کابل توسط معماران و صنعت گران با هنرمندی خاص آیینہ کاری، چوب بندی و کندن کاری شده بود که در زمستان از برف و باران در امان و در تابستان اثری از گرما نبود. سقف های سرپوشیده و بلند که از دو طرف آن روشنی از لابلائی آیینہ ها بدرون بازار می ریخت که از هر لحاظ قابل دید و تماشا بود. چوک کابل به اصطلاح نقطه پرکار شهر بود. هرگاه از شمال به جنوب و یا از شرق به غرب می رفتند کوتاه ترین راه و مرکز شهر، چوک کابل بود.

چهارچته از جمله آبادات تاریخی به شمار می رفت. زمانی که کیوناری نماینده انگلیس در کاسه برج بالاحصار کابل حریق شد، انگلیس ها نه تنها بالاحصار را حریق کردند ، بلکه چهار چته را نیز به آتش کشیدند. بخشی اعظم بازار چهار چته در اثر یورش انتقامی قشون انگلیس در سال ۱۸۷۹ میلادی سوزانده شد.» تاریخ افغانستان کابل به مثابه مرکز کشوری قرون اخیر از تعدد و تمرکز پیشه ها غنمندی بسیار داشته است، این امر از تکامل پروسه این پیشه ها و صنایع دستی نمودار میگردد. در چارچته کابل که نزدیک چوک فعلی کابل موقعیت داشت پیشه ها و پیشه وران زیادی قرار داشتند. در بین چوک عمارت کلانی به صورت مدور ساخته شده بود. اما اگر سرچوک را یک نقطه مرکزی کابل قرار بدسیم، به سمت شرق چوک به مدخل چارچته داخل می شویم. در بین، عمارت نسبتاً کلانی بصورت مدور ساخته شده بود، اطراف این عمارت دکانی بود که در بین آن یک

پهړه بزرگ ازپلتن کوتوالی زیر اثر کپطان یعقوب سیاه برای حفاظت دکان ها و بازارها شب و روز مصروف خدمت بود. بطرف شمال شرق و جنوب شرق این عمارت مدوردو رسته دکان های صرافان بود و صرافان مشهور عبارت بودند از بایی موتهی، بایی رازی، بایی لعلو، بایی گنگه، بایی دونی و غیره که به خرید و فروش هر نوع طلای مسکوک و زیورات طلایی، نقره یی، نگین باب قیمتی، نوت کاغذی کدار و روپیۀ مشهدی مشغول بودند. زیورات طلایی، نظر به نوعیت آن خرید و فروش میشد. مثلاً طلای آتشی، سیاه، طلای بور، طلای سرخ فی متقال دوازده تا شانزده و هفده روپیۀ کابلی قیمت داشت.

کدار هندی دونیم کابلی، نقره باب شکسته فی متقال نیم روپیۀ یعنی یکقران خرید و فروش می شد. روپیۀ مروجۀ آنزمان دو متقال نقره خالص بود که یک کابلی گفته میشد، سه تنگۀ نقره یی معادل یک کابلی، شش دانه سناری نقره یی و یا دوازده دانه شاهیکگی (پنج پیسه گی) برنجی عبارت از یک کابلی بود. همچنین یک کابلی عبارت از شصت پیسه سیاه بود. یک طلایی مسکوک امیر حبیب الله خان بوزن یک متقال پانزده روپیۀ کابلی بود، روپیۀ مشهدی یعنی سکه مروجۀ ایرانی معادل روپیۀ کابلی بود، بانکنوت روسی یکصد صومی سه صد کابلی و گاهی تا سه صد و بیست کابلی هم خرید و فروش داشت اما بعد از انقلاب اکتوبر روسیۀ سوسیالیستی از چلند افتاد. به مدخل چارچته داخل می شویم.



### نمای داخل چته کابل\*

این چته کاملاً بزازی بود و از بزازان مشهور می توان از محمد عثمان، حاجی حسن، بهادرخان، رستم، ملا علی جان، افغان عبدالکریم و چاچه حیات نام برد. در ختم چته اولی که چوک دوم گفته می شد بطرف راست سرایی بنام سرای خیر الله سه منزله ساخته شده بود که خیاط های مشهور مانند: خلیفه محمد حسن، خلیفه گلجان و خلیفه عبدالوهاب بکار خیاطی مشغول بودند و در منزل تحتانی دکان های شانیه سازی بود که از چوب توت، شیشم و آبنوس شانیه می ساختند و این چوک به شانیه سازی شهرت داشت. سایر دکانین این چوک کرباس فروشی بود، بطرف چپ این چوک کارخانه مرحوم غنی نسواری وجود داشت، بعد از این چوک، چته دوم شروع میشد. قسمت زیاد این چته هم بزازی بودمانند: اسلم بزاز، سکندر، سرور مشهور به سرور عینک، امام بخش، بایی مته و بایی ننهوی و غیره. چند دکان دیگر درین چته ابریشم فروشی بود مثل سائین عبدالمجید و غیره.



از زرگران مشهور، مانند دوست محمد، حاجی قیوم، محمدکریم و محمدنعیم و غیره در همین چته دوکان داشتند و به ساختن چوری چمکلی، بازو بند، قاب قرآن، سه تکه، تپک، ماننیکه، چنده نار، شلشله، پای زیب، نتهی، گوشواره، انگشتر، پوش

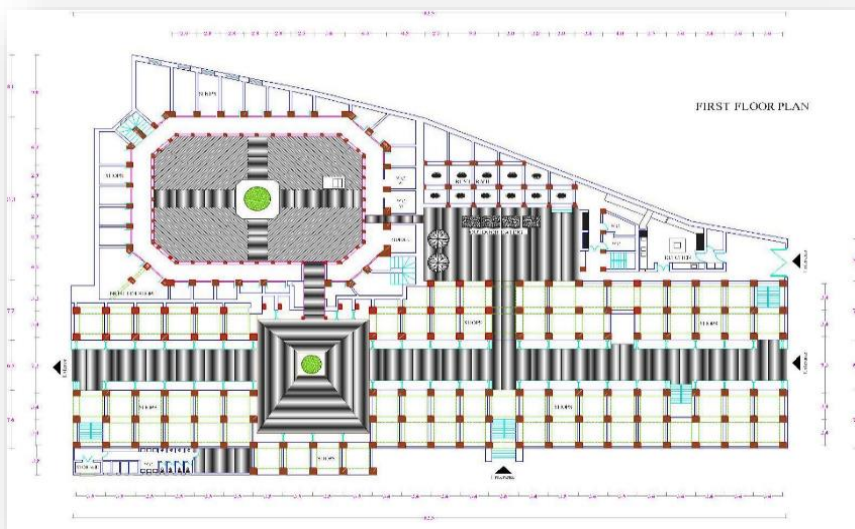


تعویز و غیره از طلا و نقره مشغول بودند. باین ترتیب چته دوم ختم و چوک سوم شروع می شد. وسعت این چوک زیاده تر بود، به طرف راست دکان های پوستین دوزی و طرف چپ دکان های آئینه سازی بود. در یک گوشه

این چوک، دکان کلان رنگریزی بود که خلیفه مسافر و خلیفه مرتضی با شاگردان متعدد خود بکار رنگ آمیزی ابریشم مصروف بودند، چته سوم واسکت دوزی و کلاه دوزی بود.



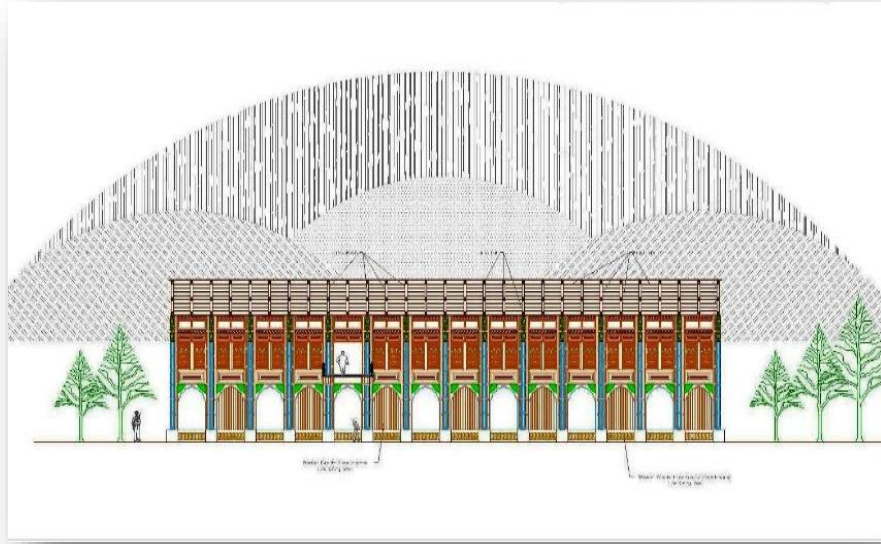
چار چته کابل که حالا وجود ندارد- رسامی استاد بزرگ، برشنا



د پانو شمیره: له 7 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ

پلان افتاده منزل اول چارچته که موقعیت و تعداد دکاکین را نشان میدهد.



نمای بیرونی چارچته کابل (تخریب گردیده)



د پانو شمیره: له 8 تر 10

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلېکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ



## نمای سه بُعدی چارچته کابل



نوت - نقشه های مهندسی چارچته کابل از جانب ریاست حفظ و ترمیمات شهرها و آثار باستانی وزارت اطلاعات و فرهنگ بدسترس نویسنده قرار گرفته است.

«سرچوک معروف و مرکز هر نوع دادوستد، خبرها، راپورها و تجمع اهالی کابل بود. در سابق ها شاهان برای اینکه از اوضاع واحوال شهر باخبر شوند با تغییر لباس در شهر و مراکز تجمع مردم مخصوصاً سرچوک گشت و گذار میکردند و اطلاعات جمع آوری و مطابق آن اجراءات میکردند ، این اطلاعات به « آوازۀ سرچوک » مشهور بود . طور مثال : وقتیکه در مجلس وزراء موضوعی فیصله میشد ، وزیر صاحب که شب به منزل بر میگشت از کار روز به خانم چیزی بیان میکرد. فردا محترمه تغارۀ رخت شویی را در دیوار بام تکیه داده از سر دیوار با زن همسایه صحبت میکرد و در ضمن از کارهای شوهر خود و مجلس وزرا

د پانو شمیره: له 9 تر 10

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

يادونه: دليکنې دليکنيزې بنې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

بوی قصه می‌کرد و روز دیگر در سرچوک در زکرده و مردم واقف میشدند. بنابراین « آوازه سرچوک » بهترین اخبار و رسانه‌ها برای مردم کابل مانند اخبار یامجله می‌بود. بروز ۱۸ شعبان ۱۲۵۸ ق - ۱۸۴۲ م دسته عساکر انگلیس سر راست به چهارچته رفتند تا به قصاص خون « مکناتن » که جسد آنها را ملیون مجاهدین چندی قبل برای عبرت در کمان‌های سقف ۴ چته آویزان کرده بودند، آن بازار تاریخی قشنگترین عمارات چهارچته معروف را آتش زدند و بسیاری خانه‌ها چور و در دادند و بدل خود انتقامی را که می‌بایست، گرفتند با این ترتیب بهترین عمارات و دکانهای چهارچته تاریخی را سوختاندند.

اینجا همان چهارچته است که علی مردان خان آباد کرده است. در بام دکانهای چته اول، چهارچته که منازل نشیمن نیز در بالای آن قرار داشت و راه بام از طریق مندوی و کوچه آن بود، غفور زیر بغلی نواز در شب‌های رمضان نقاره می‌زد تا مردم را از خواب گران بر خیزاند تا برای غذای سحری آماده شوند سپس با نواختن توپ چاشت از تپه توپ واقع گذرگاه کابل ختم سحری و آغاز روزه‌گیری اعلام میشد.» تاریخ افغانستان ادامه دارد